

ارتباطات جهانگستر و تمدن اطلاعاتی (تأملی درون‌متنی در بازتابندگی‌های فضایی)

عبدالله عبداللهی

دانشجوی دکتری جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر جعفر جوان

دانشیار جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

پیشرفت فن‌آوری‌های ارتباطی، اطلاعات‌گرایی و سرمایه‌داری افسار گسیخته محرک‌هایی هستند که در قالب فرآیند جهانی شدن، تمدنی نوین را در عرصه‌های گوناگونی زندگی اجتماعی فرصت ظهور داده‌اند. بازتاب فضایی این تمدن اطلاعات-محور در فضای قلمروزدایی شده و زمان غیرخطی خود را نمایان می‌سازد. پیش‌زمینه‌ی درک ماهیت هستی‌شناختی این تمدن، بررسی روابط تعاملی میان فرآیند جهانی شدن، ارتباطات جهان‌روا، اطلاعات‌گرایی و پرسترویکای سرمایه‌داری (وقوع تعدیل ساختاری در نظام سرمایه‌داری و تغییر چهره‌ی آن از شکل سازمان یافته یا اقتصاد فوردیستی به شکل سازمان نیافته یا اقتصاد پسافوردیستی) و بیان مشخصه‌های تمدن اطلاعاتی است. بر این اساس، مقاله‌ی حاضر با در پیش گرفتن رهیافتی پسامدرن و مترتب بر ماهیت هستی‌شناختی تمدن اطلاعاتی (یک تمدن-تمدن‌های بسیار) نگرشی درون‌متنی به تمدن اطلاعاتی را هدف قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: ارتباطات جهان‌گستر، اطلاعات‌گرایی، پرسترویکای سرمایه‌داری، تمدن اطلاعاتی، بازتاب فضایی.

مقدمه

«جهان نه گردپایه‌گذاران هیاهوهای نو، که گرد پایه‌گذاران ارزش‌های نو می‌گردد، با گردش بی‌صدا»
(نیچه، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

آنچه گذشت، موضعی مخالف در مقابل سلسله مراتب‌های ارزشی و فراگفتمان‌های ایدئولوژیک است که فلسفه‌ی پسا-مدرنیسم از خود بروز می‌دهد. همان مشرب‌فکری و فلسفی که قدر مسلم از نظر هستی‌شناختی^۱ کنترل همه‌ی دگرگونی‌ها و تحولات تکنولوژیک

در عرصه‌ی ارتباطات و اطلاعات را بر عهده دارد. بر اساس این پیش درآمد، نوشتار حاضر، با طرح این پرسش‌ها می‌آورد، که؛ آیا تحولات تکنولوژیکی کنونی در عرصه‌ی ارتباطات و اطلاعات، در نهایت تمدنی نوظهور از خود بر جای می‌نهد؟ آیا تمدن اطلاعاتی نوظهور بر بنیان «منزلت صحبت کردن به جای/ برای دیگران را از آن خود می‌داند» (تاجیک، ۱۳۸۱: ۷)، یا منطق کثرتگرایی^۱ و غیرپذیری بر آن حاکم است؟ آیا بازتاب تمدن اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی شالوده‌های سنتی فضا و زمان را در هم شکسته است؟ آیا تمدن اطلاعاتی مبتنی بر فلسفه‌ی پسا - مدرنیسم در بستر فرآیند جهانی شدن^۲ نمود می‌یابد؟ در پی یافتن پاسخی بر این پرسش‌ها پیش فرض نوشتار حاضر این است که؛ تمدن در حال تکوین اطلاعاتی و جهانی شدن بطور کلی از منظر هستی‌شناختی، اصول حاکم بر فلسفه‌ی پسا - مدرن را برمی‌تابند و پارادایم جدید ارتباطات^۳، اطلاعات گرایي و پروسترویکای سرمایه‌داری و شکل بی‌سازمان آن، همچون حلقه‌های زنجیر، محرک اصلی فرآیند جهانی شدن هستند که در نهایت، فراسوی زمان خطی رایج در دوره‌ی رنسانس و فضای قلمروی و مکانمند دوره‌ی مدرن، در زمانی بی‌زمان و فضایی سرزمینی^۴، تمدن مشترک جهانی (اطلاعاتی) را نتیجه می‌دهند. اما بازتاب فضایی تمدن اطلاعاتی جدید در پهنه‌ی گیتی از چشم‌انداز هستی‌شناختی، ماهیت تکنولوژی اطلاعاتی^۵ - که به هیچ وجه امری تکنولوژیک نیست (هایدگر، ۱۳۷۷: ۲۳) - را پیش می‌کشد. که تفسیر نمود تجریدی و عینی آن، در بستر فضاهای سرزمینی و متنی، به هیچ روی با خردباوری^۶ و قطعی‌نگری میسر نیست و رهایی از این واقع‌نگری‌های سوژکتیو، رهیافتی نسبی‌نگر می‌طلبد (احمدی، ۱۳۸۱: ۳۷-۵) تا همپای نقطه‌ی عزیمت تئوریک این نوشتار باشد و نتایج مورد نظر این گفتار را روشن سازد.

جهانی شدن و پارادایم تکنولوژی ارتباطات

تحولات تکنولوژیکی، برخلاف علل ساختاری و تقریباً نمادین و نامرئی جهانی شدن (سرمایه‌داری، اطلاعات، تفکر فلسفی پسامدرن) - که موجب ظهور فرا قلمروگرایی شده است به آسانی قابل مشاهده و تفسیر است. بدیهی است که جهانی شدن، بدون نوآوری‌های گسترده در زمینه‌ی حمل و نقل، ارتباطات و داده‌پردازی امکان‌پذیر نمی‌شد. مضاف بر این صنعتی شدن^۷ بطور کلی در ایجاد مشکلات زیست محیطی، فرامرزی و فراملی نقش مرکزی را ایفا کرده است. این بدان معناست که تکنولوژی آشکارا نقش بنیادین در آفرینش فضاهای فراملی،

1- Pluralism

2- Globalization

3-Communication

4-Territory

5- Informational Technology

6- Rationalism

7- Industrialize

فراقلمروی و سیاره‌ای داشته است. اختراع تلگراف در سال ۱۸۳۷، تلفن در سال ۱۸۷۶، بی‌سیم در سال ۱۸۹۵، هواپیما در سال ۱۹۰۳، تلویزیون در سال ۱۹۲۶، موشک با سوخت مایع در سال ۱۹۲۷، کابل هم محور در سال ۱۹۳۰ و کامپیوتر دیجیتال در سال ۱۹۴۶؛ همه رویدادهای علمی و محرکه‌های ارتباطی تکوین فرآیند جهانی شدن بوده‌اند. به علاوه ابداع سیستم بطری پرکنی اتوماتیک و فرآیندهای کنسروسازی و منجمدسازی موجب شد، تا کالاهای مصرفی خاصی - که بدون وجود امکانات یادشده فاسد می‌شدند - به فرآورده‌های جهانی اولیه تبدیل شوند. در همین حال اختراع و استفاده بیش از حد کلروفلوئووکربن‌ها (CFCs) در سال ۱۹۳۱ زمینه‌ی تخریب بعدی لایه‌ی ازن را پدید آورد (شولت، ۱۳۸۲: ۱۲۰). پیامدهای این تحولات بدون شک در دوره‌های بعدی شکل‌گیری فرآیند جهانی شدن و افق آینده‌ی جهان به مراتب چشمگیرتر خواهد بود. انقلاب ارتباطی و پارادایم نوظهور ارتباطات جهانی فرجام دو جریان، و تحول در عرصه‌ی ارتباطات هستند.

نخست: جریانی که همزمان با تلاش شدید شرکت‌ها برای جهانی شدن آنها، به سرعت در صنایع رسانه‌ای تمرکز یافت.

جریان دوم: توسعه‌ی ارتباطات دیجیتالی و پیشرفت‌های فنی مرتبط با آن؛ نظیر ارتباط از طریق تلفن همراه است که ارتباطات را کم هزینه‌تر و قابل دسترس‌تر می‌کند. از سوی دیگر دیجیتالی کردن ارتباطات، موجب همگرایی شکل‌های مختلف ارتباطی (تلگراف، تلفن، رادیو، تلویزیون،...) به وجود آمدن گروه‌های تخصصی بین‌المللی و بالاخره تأثیر آن بر فرهنگ و هنر گردید که این تکنولوژی تولید و انتقال اطلاعات، پرورش، انباشت و بازخوانی همزمان آنها را فراهم نمود و مردم را به ارتباط جهانی ترغیب کرده است، چرا که انتقال اطلاعات در پهنه‌ی کنونی گیتی می‌تواند تقریباً به طور همزمان و با بهایی نسبتاً ارزان صورت گیرد (مک‌چسنی، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۳). پارادایم نوین ارتباطات، فراسوی سلسله مراتب ارزشی حاکم بر جوامع سنتی پیشین، ارتباط ساکنان سیاره‌ی زمین را در گستره‌ای افقی، فراهم آورده است. نیوت گینگریچ در توصیف دوران جدید ارتباطات می‌گوید: «هر روز جمع بیشتری از مردم امکان می‌یابند که فراتر از ساختارها و سلسله مراتب جمعی، در پناه‌گوشه‌های امنی - که انقلاب اطلاعاتی ایجاد کرده است - به فعالیت بپردازند. برخلاف انقلاب صنعتی که مردم را گروه‌گروه به داخل سازمان‌های عظیم اجتماعی مانند؛ شرکت‌های بزرگ و اتحادیه‌های بزرگ و دولت - ملت‌های مدرن راند، انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات در حال از هم پاشیدن این غول‌ها و هدایت ما به سوی آن چیزی است که با کمال تعجب بیشتر شبیه به آن آمریکایی است که توک ویل^۱ برای سال‌های ۱۸۳۰ مجسم کرده بود» (دوسن و بلامی فاستر، ۱۳۷۹: ۷۶).

بنابراین فرآیند در حال تکوین جهانی شدن - که *مارتین آلبرو*^۱ آن را فرآیند ملحق شدن ساکنان سیاره زمین به جهان اجتماعی واحد می‌داند (*Baylis and smith, 1997:15*) هم به عنوان پیامد ظهور پارادایم نوین ارتباطات و هم به عنوان عامل برانگیزاننده‌ی گسترش روزافزون آن، بیشترین بازتاب‌های فضایی خود را، در عرصه‌ی اقتصاد جهانی شده بر جای می‌نهد. به گونه‌ای که *دیوید هاروی*^۲ عامل بنیادین فشرده و لحظه‌ای شدن جریان‌های مالی و هماهنگی بین‌المللی را ارتباطات کامپیوتری شده و الکترونیکی بر می‌شمارد (*Waterz, 2001:67*).

در پهنه‌ی اقتصاد جهانی شده، امروزه فراتر از مرزهای تعریف شده‌ی دولت ملت‌ها^۳، در کنگره و ستفالی، شرکت‌هایی پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند که در پرسش از هویتشان، خود را چندملیتی^۴ و پساملی معرفی می‌کنند و در قالب سرمایه‌داری بی‌سازمان و افسار گسیخته، با حفظ اقتدار نسبی اقتصادی محلی، جریان سرمایه را، در جستجوی سود بیشتر و با گرایش به اقتصاد زیباشناختی، بر گستره‌ی همه فضاهای جغرافیایی گسیل می‌سازند. این در حالیست که بستر اصلی و بنیاد کنونی اقتصاد سرمایه‌داری را، اطلاعات - محوری و عملکرد در مقیاس جهانی آن، تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال «شلوار جین» که محصول شرکت نساجی *برلینگتون*^۵ آمریکاست، نرم‌افزاری را به رایگان در اختیار مشتریان خود در سر تا سر جهان قرار می‌دهد که از طریق آن می‌توانند به طور مستقیم با کامپیوتر مین فریم *برلینگتون* ارتباط برقرار کنند و با چنگ انداختن روی موجودی انبار این شرکت، به طریق الکترونیکی پارچه‌ی مورد علاقه‌ی خود را انتخاب و سفارش دهند. همه‌ی اینها با سرعتی لحظه‌ای و آنی انجام می‌شود» (*تافلر، ۱۳۷۷: ۱۸۶*). اطلاعات - محور^۶ و دانش - محور^۷ بودن اقتصاد حاکم بر جهان کنونی، شیوه‌ای نوین از تولید را سبب گردیده که تعامل دو سویه‌ی تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات در آن (صدوقی، ۱۳۸۰: ۵۵) محرک اصلی تکوین نظام مدیریت دانش شده است. قدم نهادن در عرصه‌ی بازتاب‌ها و برکنش‌های تجریدی و نمادین پارادایم ارتباطات - که مدیریت دانش یکی از آنهاست - چشم‌اندازی هستی‌شناختی را پیش روی ما قرار می‌دهد که بررسی پیامدهای این شیوه‌ی ارتباطات در عرصه‌ی فرهنگ، تمدن، هویت و... جامعه‌ی جهانی را ناگزیر می‌نماید. انسان برخلاف برخی موجودات دیگر که اجتماعی زندگی می‌کنند، اجتماع را می‌سازد تا زندگی کند. راز بقا و میزان اثرگذاری فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از نسلی به نسل دیگر، از

1- Martin Albrow
 2- David Harvy
 3- National-states
 4- Multinational
 5- Burlington
 6- Information-based
 7- Knowledge-based

طبقه‌ای به طبقه دیگر و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر، در محیط زندگی انسان، با قدرت انتقال و ارتباط در آن جامعه قابل ارزیابی است (بیک‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۵).

از این رهگذر پارادایم سیستم ارتباطات نوین و کاربرد ICT ها که ظرفیت و گنجایش کنونی جهان را، برای جذب همه نوع بیان فرهنگی، تمدنی، هویتی، سیاسی و اجتماعی افزایش داده است (Abou, 2003:1)، خطوط قرمز تمایزی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های متکثر را، به خطوط نارنجی بینا فرهنگی و بینا تمدنی بدل ساخته است. منطق حاکم بر چنین فضایی، منطق دوانگار و تک‌گفتار مدرن (یعنی منولوگ‌های خردباور) نیست، بلکه دانش - محوری و نگرش‌متنی^۱ و بینامتنی^۲ است که پیش‌فرض آن، وجود متن‌های متکثر و پراکنده، وجود مؤلفان متکثر و سیال و کدر بودن مرزهای بینامتنی آنهاست (تاجیک، ۱۳۷۷: ۵۷). بازتاب نامرئی چنین وضعیتی، در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن، متأثر از ارتباطات جهانی، گرایش به پلورالیسم و کثرتگرایی است که خود را در جریان جایگزینی غیرستیزی با غیرپذیری محقق می‌نماید.

اطلاعات‌گرایی و پرسترویکای سرمایه‌داری

پیتر دراکر^۳ انقلاب اطلاعاتی فعلی را چهارمین انقلاب اطلاعاتی در تاریخ بشر می‌داند: از نظر دراکر اولین انقلاب اطلاعاتی اختراع خط و نگارش بود که پنج تا شش هزار سال پیش، در بین‌النهرین - به طور مستقل و چند هزار سال - بعد در چین و حدود ۱۵۰ سال بعد از آن هم توسط قوم مایا در آمریکای مرکزی به وقوع پیوست.

دومین انقلاب اطلاعاتی با اختراع کتاب نوشتاری، ابتدائاً در چین، و در حدود سال ۱۳۰۰ قبل از میلاد و سپس ۸۰۰ سال بعد، به طور جداگانه و مستقل در یونان واقع گردید.

سومین انقلاب اطلاعاتی با اختراع ماشین چاپ و حروف متحرک توسط گوتنبرگ در سال‌های بین ۱۴۵۰ و ۱۴۵۵ و اختراع همزمان گراورسازی به راه افتاد.

چهارمین انقلاب اطلاعاتی با اختراع کامپیوتر، تکوین سیستم مدیریت اطلاعات (MIS)^۴، و پایوران ارشد اطلاعاتی (CIO)^۵، تعدیل ساختاری سرمایه‌داری و شکل‌گیری سرمایه‌دارای افسار گسیخته، شبکه‌ای شدن ارتباطات فراملی، اطلاعات محوری، دانش محوری و رونق شیوه‌ی تولید اطلاعاتی در اواخر قرن بیستم و آغاز هزاره‌ی سوم، به‌وقوع پیوسته و هنوز در حال تکوین است (دراکر، ۱۳۸۲: ۱۲۸). تکنولوژی اطلاعاتی که در وضعیت پسامدرن تحولات

1-Textual

2-Inter-textual.

3-Peter F. Drucker

4- Management information system

5-Chief information officer

چشم‌گیری به خود دیده، در فرآیند تولید سرمایه‌داری تغییرات تعیین‌کننده‌ای پدید آورده است (سیف، ۱۳۸۲: ۸). بطوری‌که از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد، به صورت ابزاری مؤثر در اجرای فرآیند تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری عمل کرده است.

در این روند، منطق سرمایه‌داری و منابع مبتنی بر این نظام، انقلاب تکنولوژیک را از لحاظ توسعه و جلوه‌های آن شکل داده است. رابطه‌ی انقلاب اطلاعاتی و اطلاعات‌گرایی و پرسترویکای سرمایه‌داری تعاملی دوسویه - یا لازم و ملزوم هم - بوده است. بطوری‌که نظر به عامل تاریخی شتاب‌بخشنده‌ی پارادایم تکنولوژی اطلاعات، تعیین‌کننده‌ی شکل و مسیر آن و شکل‌های اجتماعی وابسته به آن، نشان از تأثیرات فراوان فرآیند تجدید ساختاری سرمایه‌داری دارند که آشکارا در راستای رسیدن به مرحله‌ی جهانی شدن تولید، توزیع و بازارها، افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، تعمیق منطق سرمایه‌داری، یعنی کسب سود در روابط کار و سرمایه و استفاده از فرصت‌ها در بهترین شرایط کسب منفعت، در همه‌ی فضاهای جغرافیایی سیر می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۰ و ۴۶).

بدین ترتیب پسامدرنیته با مرحله‌ای از سرمایه‌داری منطبق شده که ویژگی نخستین آن جایگزین شدن انعطاف‌پذیری و نرمش، با تولید انبوه کالاهای یکسان و اشکال کار وابسته به آن است؛ از جمله‌ی اینها به اشکال جدید تولید انبوه کالاهای یکسان و اشکال کار تیمی و تولید «به موقع»، تنوع کالاها برای بازارهای تخصصی، نیروی کار انعطاف‌پذیر، سرمایه‌ی متحرک و مانند اینها می‌توان اشاره کرد که همه و همه به واسطه‌ی فن‌آوری اطلاعاتی نوین ممکن شده‌اند (سینزود، ۱۳۷۹: ۵۵). نظام اقتصاد سرمایه‌داری در سیر تکوینی خود به سمت پسامدرنیته^۱ مرحله‌ی سرمایه‌داری لیبرال قرن ۱۹ - که در سطح محل و منطقه عمل می‌کرد - و مرحله‌ی سرمایه‌داری سازمان یافته‌ی قرن ۲۰، که در سطح دولت - ملت‌ها عمل می‌کرد، را پشت سر نهاده و اکنون به کمک اطلاعات جهانی و دانش محوری، به سرمایه‌داری بی‌سازمان بدل گشته است که گردش کالا و سرمایه در آن مقیاسی فراملی و فرامرزی دارد. ابژه‌ها (پول و کالاها) و سوژه‌ها (نیروی کار) در خارج از مرزها جریان دارند. این سوژه‌ها^۲ و ابژه‌ها^۳ مسافت‌های زیادی را با سرعت فزاینده طی می‌کنند و همزمان کردن فرآیندها چنان دشوار شده که تنها سرمایه‌داری بی‌سازمان می‌تواند به آن سامان ببخشد (بوریمر، ۱۳۸۱: ۴۳). اندیشمندان پست مدرن در باب ویژگی‌ها و پیامد پیشرفت‌های اطلاعاتی و سرمایه‌داری افسارگسیخته^۴ مطالبی جالب و سرشار از روشن‌بینی دارند، به طوریکه شناخت جدی جهان معاصر را بدون آگاهی از مرکزیت و ابعاد نشانه‌سازی امور در دنیای کنونی (بودریار)، بدون ملاحظه تغییرات به وجود

1-Postmodernity

2-Subjects

3-Objects

4-Unrestrained capitalism

آمده در اشکال ارتباطی (پوستر)، بدون به رسمیت شناختن تنوع و کثرت دیدگاههای جهانی؛ که توسط رسانه‌های نوین در دسترس همگان قرار گرفته‌اند (واتیمو) امکان ناپذیر می‌دانند (پوستر، ۱۰: ۳۹۵).

بر اساس مطالب فوق‌الذکر می‌توان اذعان داشت که نظام سرمایه‌داری در گذر تاریخ هیچگاه خود را چنین یکه‌تاز و تک‌سوار میدان ندیده بود و در درازنای زمان تعامل با محرک‌هایی که اکنون عامل جهان‌گستری سرمایه‌داری شده‌اند را، حتی بر خود مستحب هم نمی‌پنداشت. سرمایه‌داری هم اکنون با برگزشتن از رقیب سوسیالیست خود، (فروپاشی شوروی در دهه‌ی ۱۹۹۰ و به تبع آن از میان رفتن اقتصاد سوسیالیستی و رقیب دیرینه‌ی سرمایه‌داری در طول سال‌های جنگ سرد) روندی رو به تزاید و پیشرفت روزافزون اقتصادی و سیاسی را تجربه کرد.

جهانی شدن، اطلاعات‌گرایی و دانش - محوری، پارادایم نوین ارتباطات، زمان بی‌زمان، فضای مکان‌زدایی شده و در فرجام، تمدن اطلاعاتی در حال تکوین، در ارتباطی چندسویه، بدون سلسله مراتب و شبکه‌ای^۱ با هم، آنچه را که امروزه سرمایه‌داری افسارگسیخته نام گرفته، فرصت نمود داده‌اند.

تمدن اطلاعاتی

نظر به تاریخ گذشته‌ی جهان و تأمل در وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها چهار گونه تقسیم‌بندی از مسیر ترقی و توسعه‌ی کشورهای جهان را آشکار می‌کند؛ در دهه‌ی ۱۹۶۰ کشورها را به توسعه‌یافته^۲ و توسعه نیافته تقسیم می‌کردند، در دهه‌ی ۱۹۷۰ به جهان اول^۳ و جهان سوم^۴، در ۱۹۸۰ به کشورهای بیشتر توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته و در دهه‌ی ۱۹۹۰ به کشورهای صنعتی‌شده و در حال صنعتی‌شدن تقسیم می‌کردند (Water, 2001: 34). در حالی که امروزه سلسله مراتب توسعه‌یافتگی کشورها، بر مبنای محرک اصلی وقوع دگرگونی در وضعیت کشورهای جهان (یعنی جریان اطلاعات و ژئوپلیتیک سرمایه) و گذرا آنها به جامعه‌ی دانایی - محور، به میزان نقشی که هر یک از کشورها در زایش اطلاعات، جریان سرمایه و مدیریت دانش^۵ برگرده می‌کشند، وابسته است.

انقلاب علمی، ارتباطی و اطلاعاتی که عامل اصلی سنجش موقعیت کشورها در مسیر ترقی‌اند، نه تنها محرکه‌ی اصلی فرآیند جهانی شدن هستند، بلکه در تعامل با این فرآیند، دو

1- Networking

2- Developed

3- First world

4- Third world

5- Knowledge management

روی جدایی‌ناپذیر یک سکه محسوب می‌شوند. جهانی شدن بواسطه‌ی انقلاب علمی^۱ و اطلاعاتی راه را برای رسیدن به خدمات اطلاع‌رسانی سریع، به همه‌ی مناطق جهان از طریق تجارات و مبادله‌ی آزاد، اطلاعات و آموزش هموار ساخته‌است (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۷) و در شرایط جدید اقتصادی، به وسیله دکتترین تجارت نئولیبرال، اقتصادی جهان گستر و اطلاعات - محور را به وجود آورده است (Tsering, 2003: 4). جهانی شدن بر این اساس به موازات انقلاب اطلاعاتی، در سیر تکوینی خود، عرصه‌ی سازمان‌های اجتماعی، فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و حیات سیاسی جوامع کنونی را نیز بی‌نصیب نگذاشته (Piut, 2003: 1) و همگام با ابداع شبکه‌ی جهانی در سال ۱۹۸۹ ظهور تمدن نوین اطلاعاتی را سبب شده است تمدن اطلاعاتی در حال تکوین، با قبول چندگانگی و کثرت در تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی، ماهیت فلسفی‌اش را در شکل «یک تمدن - تمدن‌های بسیار» نمایان می‌سازد. تمدن نوظهور که اصل بنیادین آن بر محور اطلاعات و دانش جهان روا استوار است، خصلت کثرت‌گرایی خود را از ویژگی ذهنی، معطوف به آگاهی، تفکر و شناخت بودگی اطلاعات به عاریت می‌گیرد و در سامان نوآفریده‌اش با مشخصه‌های ذیل تجلی می‌یابد:

- ۱- شیوه‌ی تولید حاکم بر تمدن اطلاعاتی شیوه‌ی تولید اطلاعات است.
- ۲- در تمدن اطلاعاتی عوامل سرمایه و کار جامعه‌ی صنعتی، با اطلاعات و دانش جایگزین می‌گردند.
- ۳- در تمدن اطلاعاتی، نهادهای اجتماعی افقی مانند جامعه مدنی، جانشین نهادهای عمومی عمودی و متمرکز می‌شود (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۱۷).
- ۴- تمدن اطلاعاتی در فضایی فرا قلمروی، فرامرزی و سرزمینی تکوین می‌یابد.
- ۵- چندگانگی و کثرت در سیاست، اقتصاد و فرهنگ مشخصه‌ی بنیادین آن است.
- ۶- شهروندان تمدن اطلاعاتی به واسطه‌ی فن‌آوری اینترنت و پست الکترونیک در فضای تجربیدی یک شهر اطلاعاتی^۲، به هم می‌رسند.
- ۷- شیوه‌ی شناخت در تمدن اطلاعاتی، غیرحضور و دیگرزدایی شده است.
- ۸- دگرگونی روش شناختی در دانش، سبب‌ساز فراقلمروگرایی آموزش و فراروندگی پژوهش‌های اجتماعی، از تقسیم‌بندی‌های رایج آن و میان‌رشته‌ای^۳ شدن آن، در تمدن اطلاعاتی است.
- ۹- بازی زبانی مسلط بر تمدن اطلاعاتی بازی زبانی گفتمان و آری‌گویی است.
- ۱۰- تمدن اطلاعاتی، بر بنیان ویژگی سرزمینی و فراقلمروی بودنش انگیزشگر گفتمان بوم و جهان است (تافلر، ۱۳۷۴: ۴۱۴).

1- Scientific revolution
2- Informational city
3- Interdisciplinary

- ۱۱- هنجارها، عقاید و هویت‌ها در تمدن اطلاعاتی متکثر، پراکنده، سیال و چندگانه‌اند و به تعبیر فلسفی «هیچ زمانی وجود این همه باور در کنار یکدیگر شدنی نبوده‌است» (نیچه، ۱۳۸۲: ۱۱۶).
- ۱۲- در تمدن اطلاعاتی تمایزات فرهنگی - هویتی ایدئولوژی‌های مقتدر جای خود را به تکثرها و گفتمان‌های دوسویه‌ی بینامتنی می‌دهند.
- ۱۳- نظام سرمایه‌داری سیستم اقتصادی غالب و تمام‌عیار تمدن اطلاعاتی است (Mozaffari, 2002).
- ۱۴- بحث‌ارزشی امنیت در تمدن اطلاعاتی معطوف به امنیتی است؛ هستی‌شناختی و امنیت هویتی.
- ۱۵- انسان ساکن در تمدن اطلاعاتی، اجتماعی شده و سراسر بین است و از نظر زیباشناختی با جایگزین کردن عادات به جای لذات، تجربه‌ی لذت در حال جاودان و سبک حیات اکسپرسیونیستی^۱ را - که هدف نهایی آن کسب رضایت فوری است تا خرسندی با تأخیر - با کمال علاقه تجربه می‌کند.
- ۱۶- گذشته از همه‌ی اینها محرک اصلی شکل‌گیری تمدن اطلاعاتی، فن‌آوری‌های ارتباطی و ارتباطات گسترده‌ی جهانی است.

بازتاب‌های تمدن اطلاعاتی در فضای سرزمینی

تمدن اطلاعاتی در حال تکوین مانند همه‌ی دگرگشت‌ها و تحولات دیگر، بازتاب عینی خود را بر بستر فضاهای جغرافیایی نمایان می‌سازد. اما فضا در این مفهوم به عنوان بازتابنده‌ی تأثیرات تمدن اطلاعاتی و زمان به عنوان نمایش‌دهنده‌ی سیر تاریخی این تحولات، شالوده‌شکنی^۲ شده و در حوزه‌ی معنایی جدیدی پذیرفته شده است.

رهیافت نظری نوشتار حاضر نیز معطوف به این مفاهیم نوین از فضا و زمان است. بگونه‌ای که فضا را دیگر «صحنه حضور و سکونت انسان و بازتاب تعاملات انسان و محیط طبیعی نمی‌پندارد» (عزتی، ۱۳۸۰: ۸۷). بلکه آن را مبتنی بر نظریه‌ی ژاک دریدا^۳ متنی می‌انگارد که می‌توان آن را کوتاه‌تر یا بلندتر بافت، می‌توان برید یا تا کرده و دوخت. ولی در متنی چنین بافته شده، خبری از سلسله مراتب ارزشی نیست، بلکه همه چیز بدون تمایز و یکسان، در هم تنیده شده‌اند (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۹). چ‌نین نگرشی در بازخوانی متن توصیه می‌کند که معنای برآمده از کلام محوری و متافیزیک حضور^۴ را کنار بگذاریم و بپذیریم آن معنایی که

۱- Expressionism=بیانگر باوری

۲- Deconstruction

۳- *Metaphysics of presence*؛ متافیزیک حضور تعبیر مورد استفاده‌ی دریدا برای مفروضی است که گفته می‌شود، زیربنای سنت فلسفی غرب بشمار می‌رود. یعنی این پیش‌فرض که «واقعیت در نهایت نوعی وحدت است» و اینکه تفاوت‌ها، افتراق‌ها و اختلافات نهایتاً واقعی نیستند. این عقیده که متضمن آن است که در نهایت هر چیزی همسان و همانند با چیزی دیگر است، از سوی دریدا نفی شده است (نوذری، ۱۳۸۰: ۴۸۶). استعمال مفهوم یادشده در اینجا از اینروست که اولاً در تأویل معنای فضا گرایش به وحدت نظر سابق و تغییرناپذیر بودن مفهوم فضا و تصور واهی رایج مبنی بر ثابت بودن مقیاس عملکرد فضای جغرافیایی را کنار بگذاریم و بنا به شرایط کنونی جهان صورت‌بندی جدیدی از آن ارائه کنیم و ثانیاً در تحلیل پهنه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان امروز کثرت‌ها و چندگانگی‌ها را جایگزین وحدت‌ها و تکسونگری‌ها نماییم.

بیهوده‌اش می‌پنداشتیم، استوار به حضور حقیقت است. تنها از این راه، کشف معناهای دیگر متن ممکن می‌شود، یعنی آن معناهایی که متأثر از پندارستانی یا مدرنو یکسونگر ما - که فاصله‌ای میان متن و مؤلف نمی‌شناخت - از فضا، پنهان مانده بود (همان منبع: ۳۸۹).

زمان نیز در تمدن اطلاعاتی همانند فضا واسازی شده و تصور از زمان در چنین تمدنی یک زمان دوره‌ای سنت و زمان خطی دوره رنسانس و مسلط دوره‌ی مدرن (Waterz, 1995: 55) نیست. بلکه به گفته مانوئل کاستلز زمانی بی‌زمان است، نامی که وی برای زمانمندی مسلط جامعه برگزیده است. چنین زمانی وقتی ایجاد می‌شود که ویژگی‌های یک متن بخصوص، یعنی پارادایم اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای^۱، به ایجاد آشفستگی، در توالی پدیده‌هایی بینجامد که در آن متن اجرا می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۳۴).

شکل‌گیری تمدن اطلاعاتی و ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای که محور این نوشتار هستند جملگی متأثرند از: فراهم شدن زیر ساختارهایی^۲ چون؛ پارادایم نوین ارتباطات، اطلاعات‌گرایی، پرسترویکای سرمایه‌داری و شکل بی‌سازمان آن و نحله فکری و فلسفی پسامدرنیسم. اینها همگی حکم قطعات پازل را دارند که در پهنه‌ی فضاها‌ی قلمرو دایمی شده و سرزمینی، موزاییک‌وار در کنار هم، فرآیندی به نام جهانی شدن را مفهوم می‌بخشند و نقش آن را به عنوان علت غایی «بر هم خوردن تعادل فضا و زمان» (Cox, 2002: 14) برجسته می‌نمایند. از این رهگذر رواست که با در پیش گرفتن رهیافتی همه سونگر، در پی مدلولات جهانی شدن و تمدن اطلاعاتی قدم برداریم و از چشم‌اندازی سراسر بین، مصادیق آنها را در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) نشان دهیم. البته با احتساب این‌که شالوده و ساختار پیشین عوامل مرزآفرین (جغرافیا، فرهنگ و سیاست) در هم شکسته (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۹۷) و هویتی متفاوت پذیرفته‌اند. تکنولوژی‌های نوین اطلاعات، رهایی سرمایه از زمان و گریز فرهنگ از ساعت را به نحو چشمگیری تسهیل می‌کنند و آن را در ساختار جامعه‌ی شبکه‌ای می‌گنجانند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۰۳).

دیوید هاروی^۳، جغرافیدان فرهنگی، فشرده‌گی فضا و زمان در عرصه‌ی تمدن اطلاعاتی را واقعیت بخش آرمان دهکده‌ی جهانی مک‌لوهان می‌داند و با نظر به نقش سرمایه در تکوین فضاها‌ی نوین جغرافیایی، بر نظام اقتصادی تأکید می‌کند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۲-۹۷). بر این اساس جریان سرمایه در جامعه شبکه‌ای نه تنها زمان را فشرده می‌سازد، بلکه آن را جذب نیز می‌کند و از ثانیه‌ها و سال‌های هضم شده‌ی خود، تغذیه می‌کند. پیامدهای مادی این بحث به ظاهر انتزاعی، درباره‌ی زمان و سرمایه به نحو روزافزونی در اقتصاد و زندگی روزمره‌ی مردم سرتاسر جهان احساس می‌شود. دخل و تصرف در زمان و نابودی آن، به وسیله‌ی بازارهای

1- Networking social

2- Infrastructures

3-David harvey

جهانی سرمایه - که به شکل الکترونیکی اداره می‌شوند - سرچشمه‌ی شکل‌های جدیدی از بحران‌های ویرانگر اقتصادی است که بر قرن بیست و یکم سایه انداخته‌اند (همان، ۲۰۰۶).
اقتصاد اطلاعاتی^۱ که در رقابت شرکت‌های چندملیتی^۲ و فراملی ضمانت اجرایی می‌یابند، با شکستن ساختارهای اقتصادی متمرکز، مرزگرا و سازمان‌مند- بویژه اقتصادهای ملی که با انکار وجود اقتصاد اطلاعاتی، انگاره‌ی دستیابی به سود و توان رقابت را در سر می‌پرورند و قدر مسلم با واژگون شدن خودشان، ثبات و حاکمیت سیاسی دولت ملت‌های مدرن را نیز به چالش خواهند کشید؛ به شکلی بی‌سازمان، افسار گسیخته و فرامرزی و در پی کسب سود بیشتر، به اقتصادی زیباشناختی^۳ گرایش می‌یابند. چنین اقتصادی با پیش فرض سیال بودن، پراکندگی و فراقلمروی بودن سرمایه، اهمیت بالایی به ژئوپلیتیک سرمایه^۴ می‌دهد و با افزایش مشارکت^۵ در تولید و توجه به کثرت و چندگانگی^۶ علایق و سلیقه‌های مصرف‌کنندگان، به تسریع روند شکل‌گیری تمدن اطلاعاتی کمک می‌کند.

آنچه گذشت انعکاس ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای و تمدن اطلاعاتی در عرصه‌ی اقتصاد جهانی بود، اما سرنوشت سیاسی ایدئولوژی‌ها و دولت‌های ملی و آرایش جدید پهنه‌ی سیاسی جهان نیز به همین میزان قابل تأمل هستند. صورتبندی سازمان‌های رسمی بین‌المللی و NGOهای غیررسمی در صحنه‌ی سیاسی جهان و از سوی دیگر افول اقتدار و فرمانروایی دولت‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان، فرجامی دیگر از جهانی شدن و تمدن اطلاعاتی است.

با ظهور رسانه‌های گروهی جهانی، در آغاز هزاره‌ی سوم، مقوله‌ی کنترل اطلاعات به ناگهان برای مدعیان جدید حاکمیت ملی یعنی توتالیترها در حکم یک مسأله‌ی حیاتی مطرح گردید. هر یک از مدعیان حاکمیت مطلق دولت بر کلیه‌ی شئون اجتماعی و اقتصادی - که از لنین شروع می‌شد و به ترتیب به موسولینی، استالین و هیتلر ختم می‌گردید- تلاش می‌کردند تا سایه‌ی نظارت همه‌جانبه‌ی خود را بر اطلاعات فرا افکنند. اما آنچه در این میان تحولی نوین محسوب می‌شود، این است که اطلاعات هم به مانند سرمایه، سرزمین پدری نمی‌شناسند و مقیاس عمل آن پساملی و سیاره‌ای است. هر چند دولت‌ها به ظاهر کماکان می‌توانند کنترل برنامه‌های خبری را در اختیار داشته باشند، اما توان بازدارندگی و اختیار و کنترل آنها در حدی نیست که بطور کلی جریان و گردش اطلاعات را به دست گیرند. برای مثال در آلمان، زمان جنگ بین‌الملل دوم، تعداد کسانی که مخفیانه به اخبار «بی‌بی‌سی» گوش می‌کردند، به اندازه‌ی کسانی بود که به تبلیغات «ژوزف گوبلز» رییس تبلیغات نازی در برنامه‌ی اخبار شب

1- Informational economy
 2- Multinational corporations
 3- Aethetical economy
 4- Geopolitic of capital
 5- Participate in production
 6- Multiplity

گوش می‌دادند. با این وجود برنامه‌های اخبار، تنها بخش کوچکی از «اطلاعات» را تشکیل می‌دهد. هر ۳۰ ثانیه تبلیغات یا هر ۱۸ دقیقه سریال «پرای صابون» به اندازه و بلکه بیشتر از، محتوای اطلاعاتی برنامه‌های اخبار - که دقیق‌ترین کنترل‌ها بر آنها اعمال می‌شود - حاوی اطلاعات است. امروزه هیچ حد و مرز ملی و جغرافیایی برای اطلاعات وجود ندارد. یقیناً ناتوانی روزافزون دیکتاتورین رژیم تاریخ در کنترل دسترسی مردم به اطلاعات، عامل اصلی فروپاشی کمونیسم و سقوط امپراطوری شوروی بود (دراکر، ۱۳۷۵: ۲۵۹). با این وصف در آینده چالش میان قدرت‌ها بر سر کنترل اطلاعات خواهد بود. همانگونه که در گذشته بر سر کنترل قلمرو و پس از آن بر سر کنترل دستیابی به مواد خام و نیروی کار ارزان و استثمار آنها می‌جنگیدند (لیوتارد، ۱۳۸۱: ۶۴).

تمدن اطلاعاتی، با تقلیل اقتدار و مشروعیت دولت‌های ملی، گرایش به اندیشه‌های دموکراتیک را اجتناب‌ناپذیر کرده است و با سردادن ندای «هم/این» و «هم/آن» به جای «نه/این» و «نه/آن»، یگانه نظام سیاسی سازگار با وضعیت حاکم بر پهنه‌ی گیتی را، دموکراسی جلوه می‌دهد. بر این اساس شایسته است که دولت‌های ملی در قرن ۲۱ با نگرشی «درون‌متنی» به حوزه‌ی ملی و بوم خودشان، از منظری «برون‌متنی» نیز نظاره‌گر پهنه‌ی جهان باشند و روابط بینامرزی کشورها را فراسوی رهیافت همگرایی و واگرایی، در چارچوب تعاملاتی بینامتنی تصور کنند و گفتمان بوم و جهان را سرلوحه‌ی سیاستگذاری‌های محلی، منطقه‌ای و ملی خود سازند. خلاصه اینکه به گفته‌ی نیچه:

«فراسوی آن شور فاصله - که از پیوسته فرانگریستن و فرونگریستن کاست فرمانروا بر فرمانگزاران و از پیوسته دستور گرفتن و دستور دادن و زبردست و دوردست نگاه داشتن پدید می‌آید- بیندیشند (نیچه، ۱۳۷۵: ۲۵۳)؛ در عرصه‌ی فرهنگ فاصله‌ها و تمایزات مکانی و زمانی، به دلیل گسترش تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات، اهمیت خود را روز به روز از دست می‌دهند. امروزه برقراری تماس‌های روزانه، با مردمی ممکن شده است که در قاره‌های دیگر زندگی می‌کنند و حوادث و وقایع می‌تواند از طریق رسانه‌های همگانی، در سراسر جهان تجربه شود (بوریمر، ۱۳۸۱: ۴۹). نخستین بار این مک‌لوهان بود که توجه برخی را، به حضور همه جانبه و قدرتمندانه‌ی رسانه‌ها - در همه حال و همه جا به عنوان عنصر اصلی در هر نوع تعریف فرهنگی - جلب نمود. مک‌لوهان در همان صفحات آغازین کتاب درک رسانه می‌گوید؛

امروزه پس از گذشت بیش از یک قرن از ظهور تکنولوژی‌های پیشرفته، شبکه‌ها و سیستم مرکزی عصبی خود را در سطوح جهانی بسط و گسترش داده‌ایم و تا آنجایی که به سیاره‌ی ما مربوط می‌شد، مکان و زمان را از میان برداشتیم. از همین رهگذر است که رسانه‌ای همچون سینما ابزاری قدرتمند، در فرافکنی فرهنگ غالب و مسلط تمدن جهانی، به‌شمار می‌رود. فیلم‌های هالیوودی طی دو تا سه دهه‌ی اخیر، بابت اینکه نیرومندترین حامیان و بارزترین تجلی فرهنگ

متمرکز و متجانس آمریکایی به شمار می‌رفتند، شهرت یافته‌اند (احمد، ۱۳۸۰: ۲۳۴). استعاره‌ی دهکده‌ی جهانی^۱ مارشال مک‌لوهان، در پرداختن به رسانه‌های پست مدرنیستی، بسیار حایز اهمیت است. در عصر ما این یک واقعیتِ تحقق یافته، است که هیچ‌گونه تقسیم‌بندی شرقی یا غربی، مسلمان یا غیر مسلمان نمی‌تواند مانع حضور نافذ و همه‌جانبه‌ی رسانه‌ها گردد. در واقع برخی از نویسندگان پست مدرنیست که در عرصه‌ی بین‌المللی شناخته شده‌تر هستند، از جاهایی برخاسته‌اند که مک‌لوهان آنها را، تحت عنوان «فرهنگ عقب‌مانده یا شفاهی» توصیف می‌کند (همان: ۲۳۶).

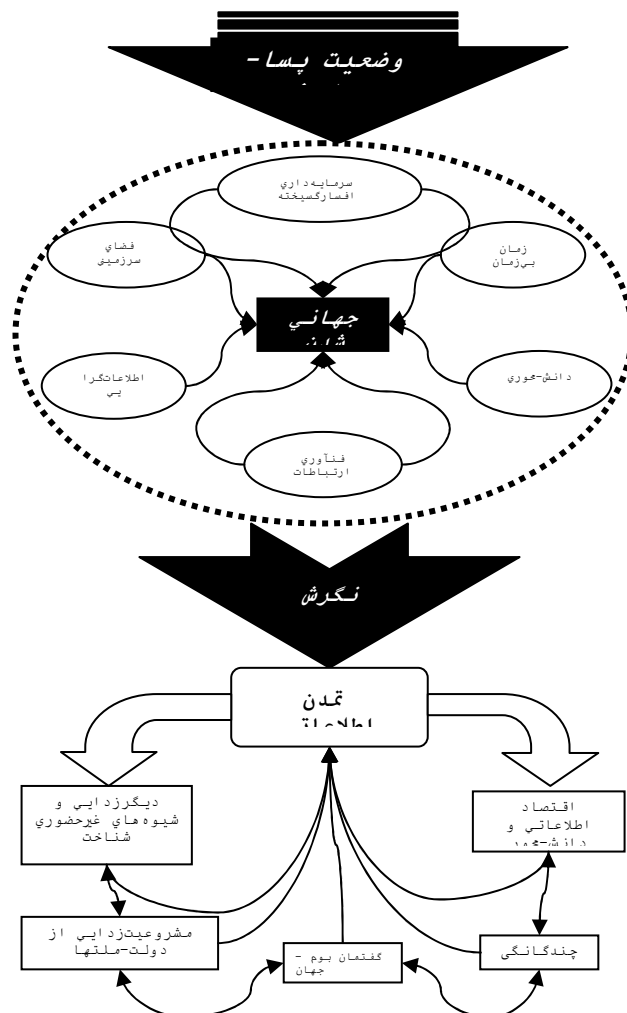
به نظر بودریار رسانه‌های گروهی، نشانگر عصر نوینی هستند که در آن شیوه‌های قدیمی تولید و مصرف، جای خود را، به دنیای تازه‌ی ارتباطات داده‌اند. این دنیای نوین، برخلاف نمونه‌ی قبلی خود (که با جاه‌طلبی پرکوشش و کشمکش فرزندان، در برابر طایفه همراه بود) بر پیوستگی بازخورد و فضای میانجی استوار است و فرآیندهای آن خود شیفته و مستلزم تغییر مستمر سطح ظاهری هستند (ساراب، ۱۳۸۲: ۲۲۱).

در عصری که تمایزات ابژه‌ها و وانمودهای آنها از میان می‌روند، تمام چیزی که باقی می‌ماند صورت‌های شبیه‌سازی شده می‌باشند. اینها دلالت به هیچ چیزی غیر از خودشان ندارند، پیام‌های رسانه‌ای، نظیر آگهی‌های تلویزیونی، مثال‌های جالبی در این مورد هستند و این خود ارجاعی به فراسوی بیم‌های ماکس وبر از جهان سرخورده و غیرسنتی شده، می‌باشد. اواخر قرن بیستم شاهد تخریب بی‌سابقه‌ی معنی است. جستجو برای تمایز میان امر اخلاقی و غیراخلاقی، واقعی و غیر واقعی بیهوده است و در «سایه‌ی نسبی‌نگری و نسبیت دانش و حقیقت» (احمدی، ۱۳۸۱: ۵). به بیان، بودریار در موقعیت حاد واقعیت^۲ به سر می‌بریم (لاین، ۱۳۸۱: ۳۳). تمدن اطلاعاتی امروزه بازتاب فضایی خود را، در عرصه‌ی فرهنگ در شکل نغمه‌های چندصدایی فرهنگی جهان انعکاس می‌دهد. صداهای خاموش گوش خراش و ناموزون بسیار شنیده می‌شود.

در هم آشفته‌گی ژانرها، ترکیب‌های مانعه‌الجمع و انواع اختلاطها و آمیزش‌ها نمود فضایی می‌یابند. حال که لایه‌های رسوبات فرهنگی به جای روی هم قرار گرفتن، در کنار هم جای گرفته‌اند، چهره‌ی جهان نیز، اساساً دگرگون شده و بیش از پیش اسیر آشفته‌گی گشته است. در اصل هیچ چیزی کامل از میان نمی‌رود، گفتارها تغییر مکان می‌دهند و در انتظار نوبت خویش به مأمنی می‌گریزند (شایگان، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹).

1-Global hamlet

2- Hyper reality



نتیجه‌گیری

دگرگشت‌ها و تحولات بیست سال اخیر جهان، به هیچ وجه سزاوار مقایسه حتی با یک قرن قبل از دهه ۱۹۸۰ نیستند. سرعت بی‌سابقه‌ی دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های نوین در درازنای تاریخ، همپایی برای خود در مسند قیاس باقی نگذاشته است و شاید یکسان نبودن سرعت همین تحولات فنی با مکمل‌های خود (فرهنگ، هویت و سیاست) در طریق توسعه باشد که در پاره‌ای مواقع، خبر از وجود چالش‌ها و گسست‌ها می‌دهد. ولی آنچه مسلم است این‌که، فرجام این‌گونه تحولات، در عرصه‌ی اطلاعات و ارتباطات، در تعاملی دوسویه با سرمایه‌داری افسارگسیخته، بر بستر فرآیند جهانی شدن، ظهور تمدنی جدید را نوید می‌دهند.

این تمدن نوظهور با برگزشتن از سلسله مراتب ارزشی و اجتماعی، به هر شهروند جهان، کم و بیش، فرصتی برای ایفای نقش می‌دهد. مشخصه‌ی تمایزبخش تمدن جدید، جایگاه بی‌سابقه‌ی اطلاعات و دانش در آن است، که بویژه از منظر هستی‌شناختی تبیین و تأویل درخور آن را به درک ماهیت تکنولوژی مشروط می‌گرداند و نگرش فن‌محورانه را در پی کشف علت‌غایی ظهور تمدن اطلاعاتی (که بازتاب‌های فضایی آن در عرصه‌ی فرهنگ، سیاست و اقتصاد به هیچ روی فرجامی تکنولوژیک از خود بر نمی‌تابند) به نگرشی جغرافیایی و رهیافتی پسامدرن سوق می‌دهد. در این میان شاید عقل باوران و مارکسیست‌ها، رابطه‌ی نزدیک و متقابل فرهنگ و تکنولوژی را، دلیل بنیادین ظهور تمدن اطلاعاتی بپندارند. ولی قدر مسلم آنچه در ماهیت تکنولوژی مدرن و عقلانیت ابزاری حاکم بر مدرنیته، به عنوان سازنده‌ی هویت و فرهنگ تلقی می‌گردد، بر بنیان همان رهیافت چپ مارکسیستی و دانش‌متکی بر پوزیتیویسم استوار است که به کارآمدی و توان بالقوه‌ی آن در تبیین تمدن نوظهور تردید بسیار می‌توان کرد. بگونه‌ای که فن‌محوران و ایدئولوژی‌های چپ با قطعیت تمام، خبر از تجلی فرهنگ مسلط و کنترل‌کننده‌ای می‌دهند که مترتب بر استیلای سرمایه‌داری شکل‌گرفته‌اند و از همین رهگذر است که تکوین فرآیند جهانی‌شدن را نیز ادامه‌ی خصلت تکنولوژیک مدرنیته می‌پندارند. در حالی که بدون گذار از این قطعی‌نگری‌ها و احکام ایدئولوژیک کشف و تبیین بازتاب‌های فضایی تمدن نوظهور اطلاعاتی غیر ممکن می‌نماید.

اقتصاد سرمایه‌داری که اندیشه‌ی مارکسیستی آن را ویژگی بخش سلسله مراتب ارزشی جامعه می‌داند، بعد از دهه‌ی ۱۹۸۰ خود را دچار تجدید ساختاری کرد که بررسی ارتباط آن با تمدن و فرهنگ، نشانگر بازتاب‌های کاملاً متفاوت آن در جهان امروز است. نظام سرمایه‌داری با در پیش گرفتن چنین رهیافتی در نهایت به تمام آنچه که در سیر تاریخ بازگوکننده‌ی فطرت تنوع‌طلبی و تکثرخواهی آدمیان بود، جامه‌ی عمل پوشاند و شریط لازم برای ادامه‌ی حیات جهانی شدن و تمدن اطلاعاتی را فراهم ساخت.

فضایی که عالمان ایدئولوگ جغرافیا در قالب برداشت اسطوره‌ای خود از تکنولوژی، به عنوان فضای جغرافیایی تصویر می‌کنند، فضای تجلی‌دهنده‌ی رابطه‌ی تکنولوژی و محیط، فضایی مکانمند، قلمروی و مرزگراست. در حالی که با این تصور از فضا، تکوین فرآیندی به نام جهانی شدن تا ابد به عنوان آرمانی دست‌نیافتنی، فقط اسمی از خود بر تاریخ عقاید جهان می‌دید. پس بنابراین فضایی که آرمان جهانی شدن در آن محقق می‌گردد، نه تجلی‌گاه رابطه انسان و محیط و تکنولوژی، بلکه فضایی بدون مرز، فرا قلمروی و سرزمینی است، که بازتاب تعاملات بینامتنی را نمایان می‌سازد و در ارتباط دوسویه‌ی خود با زمان، به جای زمان خطی، از زمان بی‌زمان، تبعیت می‌کند.

اینان تکنولوژی ارتباطات و بر اساس آن، افزایش ارتباط‌های میان فرهنگی را، بویژه در بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، گونه‌ای تهاجم فرهنگی از سوی کشورهای توسعه‌یافته یا مرکز می‌انگارند. غافل از اینکه، منطق حاکم بر تمدن اطلاعاتی، منطق دو انگار و تک گفتار مدرن نیست، بلکه منطق هم این و هم آن-گفتمان- است و قبول تک‌شرا و چندگانگی‌ها ویژگی برجسته و منحصر به فرد آن به‌شمار می‌رود.

بنابراین، فرجام سخن نوشتار حاضر این است که پیش‌شرط وجود دیده‌ای معناکاو و تبیین‌گر در یک جغرافیدان، معطوف است به تأویل بازتاب‌های فضایی تمدن اطلاعاتی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، درهم‌شکستن ساختارها و شالوده‌های سنتی و مدرن. تا از این رهگذر توان درک کثرت‌ها، پارادوکس‌ها و تضادهای موجود در وضعیت کنونی جهان و تمدن نوظهور را به‌دست آورد و خارج از حصارهای معرفتی ایدئولوژیک و یکسونگر، در کنار نگرش برون‌متنی، شرط مسلم تفسیر بازتاب‌های فضایی تمدن اطلاعاتی را، در گرایش به درون‌متن و ماهیت هستی‌شناسانه‌ی اطلاعات جستجو کند.

منابع و مأخذ

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۸۱): کتاب تردید. نشر مرکز.
- ۲- احمدی، بابک (۱۳۸۰): ساختار و تأویل متن. نشر مرکز.
- ۳- احمد، اکبر (۱۳۸۰): پست مدرنیسم و اسلام. از پست مدرنیته و پست مدرنیسم. ترجمه و تدوین حسینعلی نوذری. انتشارات نقش جهان.
- ۴- بیک‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۷): گفتگوی تمدن‌ها و فن‌آوری اطلاعات. فصلنامه اجتماعی سیاسی گفتمان. شماره ۳.
- ۵- بوریمر، جان آر، گیبینز (۱۳۸۱): سیاست پست مدرنیته. ترجمه منصور انصاری. انتشارات گام نو.
- ۶- تافلر، الوین (۱۳۷۴): موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی. انتشارات فاخته.
- ۷- تافلر، الوین (۱۳۷۵): جابجایی در قدرت. ترجمه شهیندخت خوارزمی. نشر سیمرغ.
- ۸- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱): گفتمان سردبیر فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان. شماره ۵.
- ۹- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷): بینا-متنها / بینا-تمدن‌ها. بحثی در جغرافیای مشترک تمدن‌ها. فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان. شماره ۳.
- ۱۰- داوسن، مایکل و جان‌بلای فاستر (۱۳۷۹): سرمایه‌داری مجازی و اقتصاد سیاسی بزرگراه اطلاعاتی. ترجمه مه‌ران مهاجر. از کتاب جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری. انتشارات آگاه.
- ۱۱- دراگر، پیتر اف (۱۳۸۲): چالش‌های مدیریت در سده‌ی ۲۱. ترجمه محمود طلوع. انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- ۱۲- دراکر، پیتر اف (۱۳۷۵): *جامعه‌ی پس از سرمایه‌داری*. ترجمه محمود طلوع. انتشارات مؤسسه فرهنگی رسا.
- ۱۳- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲): *پدیده‌ی جهانی شدن (وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی)*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. انتشارات آگاه.
- ۱۴- ساراپ، مادن (۱۳۸۲): *پس‌اساختارگرایی و پسامدرنیسم*. ترجمه محمدرضا تاجیک. نشرنی.
- ۱۵- سینزوود، آلن میک (۱۳۷۹): *مدرنیته. پسامدرنیته یا سرمایه‌داری*. ترجمه مهران مهاجر. از جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری. انتشارات آگاه.
- ۱۶- سیف، احمد (۱۳۸۲): *جهانی کردن. واپسین مرحله امپریالیسم*. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی. سال هجدهم. شماره اول و دوم.
- ۱۷- شایگان، داریوش (۱۳۸۱): *افسون زدگی جدید. هویت چهل تکه و تفکر ستیار*. ترجمه فاطمه ولیانی. انتشارات فرزبان.
- ۱۸- شولت، یان آرت (۱۳۸۲): *نگاهی موشکافانه بر پدیده‌ی جهانی شدن*. ترجمه مسعود کرباسیان. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰): *تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی*. انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۰- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰): *ژئوپلتیک در قرن بیست و یکم*. انتشارات سمت.
- ۲۱- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰): *عصر اطلاعات. ظهور جامعه شبکه‌ای*. جلد اول. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. انتشارات طرح نو.
- ۲۲- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱): *جهانی شدن. فرهنگ و هویت*. نشر نی.
- ۲۳- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱): *نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی شدن*. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱۱.
- ۲۴- لیوتارد، ژان فرانسوا (۱۳۸۰): *وضعیت پست مدرن*. انتشارات گام نو.
- ۲۵- مک چسنی، رابرت (۱۳۷۹): *مبارزه‌ی جهانی برای ارتباط دموکراتیک*. ترجمه محمد نبوی. از جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری. انتشارات آگاه.
- ۲۶- میرمحمدی، داوود (۱۳۸۱): *جهانی‌شدن ابعاد و رویکردها*. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۱۱.
- ۲۷- نیچه، فریدریش (۱۳۸۲): *غروب بت‌ها*. ترجمه داریوش آشوری. انتشارات آگاه.
- ۲۸- نیچه، فریدریش (۱۳۷۵): *فراسوی نیک و بد*. ترجمه داریوش آشوری. شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ۲۹- نیچه، فریدریش (۱۳۸۲): *چنین گفت زرتشت. کتابی برای همه کس و هیچ کس*. ترجمه داریوش آشوری. انتشارات آگاه.
- ۳۰- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۰): *مدرنیته و پسامدرنیسم*. انتشارات نقش جهان. چاپ دوم. واژگان توصیفی اصطلاحات و تعابیر مدرنیته و پست مدرنیته.

- ۳۱- ویستر، فرانک (۱۳۸۰): *نظریه‌های جامعه‌ی اطلاعاتی*. ترجمه اسماعیل قدیمی. انتشارات قصیده سرا.
- ۳۲- هایدگر، مارتین (۱۳۷۷): *پرسش از تکنولوژی*. از فلسفه تکنولوژی. نشر مرکز.
- 33- Abou. A. S, Manal (2003)؛ Cultural globalization and changes in the urban form of metropolis cities, www.google.com.
- 34- Baylis. (Negative) and Steve Smith (1997); The Globalization of world politices, OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- 35- Cox. W. Robert (2002); Civilization and the tewenty- first century (some the oretical consideration), In Globalization, Civilization and world order, ROUTLEDGE.
- 36- Mozaffari. M (2002); Globalization, Civilization and world order, In Globalization, civilization and world order, ROUTLEDGE.
- 37- Piut. Ag. I; Globalization؛ Implication to lecturers in meeting the Pedegogical Challenges Ahead... prepared,
[Http://seamonkey.ed.asu.edu/micisaac/finrs.html](http://seamonkey.ed.asu.edu/micisaac/finrs.html), 2003.
- 38- Tsering. T; Globalization to TIBET, Division of Ploitical Science, Mark o. Hatheld School of government Portland state university, portland, OR, 2003.
- 39- Waterz. M; Globalization, 2nd Edition, ROUTLEDGE, 2001.
Waterz, M; Globalization, London, 1995.